



ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حقش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختارشکنی گردید. نهادهای تصمیم‌گیر مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند.

هشدار ۱۱ استاد برجسته نسبت به فروپاشی دانشگاه علامه طباطبائی



برخی از اساتید مشهور دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی با انتشار نامه ای انتقادی و ارسال آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی، نسبت به آنچه فروپاشی دانشکده اقتصاد علامه خوانده هشدار داده و خواستار آن شدند که مرجعی در قوه قضائیه یا آن شورا برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات اعضاء هیات علمی و دانشجویان تعیین شود تا استیفاء حقوق آنان را بپذیرد.

نویسندگان این نامه با اعلام اینکه اینک دانشجویان، استاد و کارکنان دانشکده در معرض ناامنی های جدی در بسیاری از امور به سر می برند، اعلام کردند: دانشگاه علامه طباطبائی و به طور ویژه ای دانشکده اقتصاد در ۶ سال اخیر با شیوه ای اداره میشود که هیچ نسبتی با رویه های متعارف در اداره محیط های دانشگاهی ندارد. شیوه ها و ابزارهای جاری ریاست کنونی دانشگاه در مدیریت این نهاد علمی ملی، نیازی به معرفی ندارد. در این نامه تبدیل مسئولیت های انتخابی به انتصاب، اعمال فشار بر دست اندرکاران و تغییر غیر متعارف و یک شبه مدیرمسئول، سردبیر و اعضاء هیات تحریریه فصلنامه علمی دانشکده اقتصاد، دخالت های ناپجا در جزئی ترین امور، ممنوعیت از تدریس و عدم موافقت با حضور استادان بازنشسته با وجود اعلام نیاز مکرر دانشکده و گروه های آموزشی به آنان، ممنوعیت حضور برخی استادان شاغل و با سابقه در گروه های آموزشی، تحریم اداری برخی استادان، جلوگیری از پرداخت حقوق و مزایای قانونی استادان بازنشسته به عنوان برخی از اقدامات غیر متعارف و خلاف قانون و اخلاق و دون شان محیط دانشگاه به ویژه دانشکده اقتصاد ذکر شده است.

هم چنین اعمال نظارت و کنترل شدید بر مصوبات شوراها و کمیته های تصمیم گیری و حتی تغییر صورت جلسات مصوب پس از تصویب، تخلیه اتاق ها و جلوگیری از حضور استادان بازنشسته در دانشکده با روشهایی بسیار توهین آمیز و تحقیرکننده، استخدام پنج عضو هیات علمی جدید به روش غیرمتعارف و خلاف رویه قانونی و تحمیل آنان به گروه های آموزشی، ایجاد فضای پادگانی و اعمال کنترل شدید بر رفت و آمد، ملاقاتها، جلسات رسمی و کلاسهای درسی از طریق نصب دوربین های متعدد، جلوگیری از برگزاری جلسات علمی و گفتگوها و مباحث علمی و آموزشی، همایش ها و مباحثات متعارف و ضروری یک محیط علمی و دانشگاهی، تعطیلی دسته جمعی و یا اعمال محدودیت های شدید برای تشکلهای، نهادهای علمی، فرهنگی و صنفی دانشجویان و جلوگیری از برگزاری جلسات علمی و آموزشی و انتشار نشریات آنان از دیگر مواردی است که در این نامه نسبت به آن

هشدار داده شده است. در این نامه آمده: نگرانی بزرگتر اینست که این برخوردها توسط کسی انجام می شود که با لباس روحانیت بر صندلی ریاست دانشگاه نشسته است. برخوردهای غیرقانونی و بی ضابطه ریاست دانشگاه تاکنون زمینه تشکیل پرونده های متعددی در محاکم قضائی و صدور رای علیه ایشان شده اما پادرمیانی و رازینی دوستان نزدیک ایشان در داخل و خارج از دانشگاه، آراء قطعی محاکم قضائی و حتی برخورد و تذکر نمایندگان مجلس که در یک مورد به نامه اعتراضی ۷۵ نفر از آنان منجر شد و حتی دستور صریح ریاست جمهوری، نه تنها منجر به اندکی تخفیف یا اصلاح در این روش های ایشان نشد، بلکه هربار عمق و ابعاد آن شدت یافته و قربانیان جدیدی گرفته و هربار نیز بر مسئولیت های ایشان در کمیته ها و شوراها سرنوشت ساز ملی افزوده شده است.

این نامه به امضای چهره هایی چون حمیدرضا برادران شرکاء، محمود ختائی، محمد ستار پور، علی صادقی تهرانی، بهروز هادی نوز رسیده که تصریح کردند در اعلام این هشدار تنها نیستند و بدلیل احساس ناامنی و سابقه برخوردهای نامناسبی پس از هر تذکر و گلایه استادان، اسزوی مدیریت دانشگاه با آنان با وجود تقاضای گروهی از استادان شاغل، امضاء کنندگان این نامه، آنان را از درج نام خود در ذیل این نامه منصرف کرده اند.

پدر و مادر مسعود باستانی در نامه ای به محسنی اژه ای؛ بدون دستبند و پابند درمانش کنید

پیگیری های ما به دفتر دادستان تهران و معاون وی برای مرخصی استعلاجی تا این لحظه بی نتیجه مانده و جالب است بدانید آقایان وقتی برای پاسخ گویی به مردم و خانواده زندانیان ندارند. به خوبی می دانیم شما قادر به اعمال نظر بر تصمیمات آنان که برای جان و مال مردم تصمیم می گیرند و اجازه مرخصی به فرزند ما نمی دهند؛ ندارید اما امیدواریم حداقل با پیگیری های شما مانع از رخدادی غم انگیز و تشدید بیماری فرزندمان شوید. مدت طولانی است که نامه ای برای شما و سایر مسئولین قضائی نوشته ایم. دلیل آن بی تفاوتی نسبت به حقایقت و حقوق مسعود نبود بلکه بی اعتمادی و ناامیدی از قوه قضائیه جمهوری اسلامی ما را به مرحله ای رسانده که کار خود را به خدا واگذار کرده ایم و فرزندان را به او سپرده ایم. اما اکنون که وضعیت جسمانی مسعود روز به روز بدتر می شود و بر مشکلات گوارشی و دندان درد؛ سر دردهای طولانی مدت و لمس شدن بدن مسعود نیز اضافه شده، خودمان را به حق می دانیم تا در نامه ای گلایه کنیم و حق داریم نگران جان فرزندمان باشیم.

پدر و مادر مسعود باستانی روزنامه نگار زندانی رجایی شهر در نامه ای به دادستان کل کشور با اشاره به اینکه سلامتی فرزندانشان در خطر است، اعلام کردند: فرزند ما حاضر نیست با پابند به بیمارستان اعزام شود چرا که این کار غیرقانونی و برخلاف آیین نامه سازمان زندان ها می داند، کم نبود که بر دستان اهالی قلم دستبند زده شد و اکنون بر پاهای آنها هم بند می زنند! مسعود گفته است در صورت استفاده از پابند توسط مسئولین و در هنگام اعزام به بیمارستان، علی رغم بیماری شدید، از اینکار صرف نظر خواهد کرد. به گزارش کلمه، در این نامه خطاب به محسنی اژه ای آمده است: مسعود بیش از ۳۰ ماه است به صورت پیوسته در زندان به سر می برد و کاملاً غیرقانونی به زندان رجایی شهر تبعید شده است. در حال حاضر او علاوه بر محرومیت از تلفن و ملاقات هفتگی و حضوری، امکان استفاده از مرخصی را پیدا نکرده و اکنون سلامتی اش در خطر است و نیاز فوری به درمان خارج از زندان دارد.

انتقاد نوری زاد از عملکرد لباس شخصی ها رهبری موضع گیری کند

محمد نوری زاد نویسنده و مستندساز در نوزدهمین نامه خود به رهبری از عملکرد دستگاه های تحت فرمان رهبری و اقدامات لباس شخصی ها بشدت انتقاد کرده و خواستار واکنش و مسئولیت پذیری رهبری در این مساله شده است.

این مستند ساز در آخرین نامه خود که هر هفته جمعه ها منتشر می شود، مسئولیت های رهبری را مورد اشاره قرار داده و نوشته است: اگر رهبر شدن آسان باشد، رهبرماندن حتماً به فرسودن می انجامد. بیست و سه سال پیش جماعتی دست به دست هم دادند و شما را برای رهبری این کشور برگزیدند. بله، این، به یک نشست صورت پذیرفت. آنان کوهی از امانت را بر شانه های شما وانهادند و بلافاصله به سروقت کارو کسب خود رفتند.

نوری زاد با مروری بر عملکرد لباس شخصی ها طی این سالها می نویسد: در این سالها آنچه که از رفتار مستمر این اختراع به جان جامعه ی ما فرو شده، رواج بد اخلاقی و بی قانونی بی درو پیکراست. شما یکبار تا کنون آیا برای اختراع نامیوم برآشفته اید؟ که مثلاً: من این رویه را تأیید نمی کنم؟ یا: از فردا هر کسی و هر کسانی اگر خودسرانه به راه بیفتند و دست به تخریب بزنند و بر کسی فحش و ناسزا ببارانند، سخت مواخذه می شوند؟ و یا به دستگاههای انتظامی بفرمایید: هر چه زودتر جلوی این اوباشان مذهبی را بگیرید؟ بله، شما تا کنون به رفتار این دستگاه اختراعی ما اعتراضی نیز نفرموده اید. بدیهی است که این دستگاه، روشن شدن موتورش را مدیون شخص شما بداند و به کمتر از خود شما نیز روی خوش نشان ندهد. و گرنه چرا نباید دستگاه قضایی ما حریف آن سردار و امام جمعه و جوانک فحاشی شود که باخروج از تعادل روانی، همه ی کائنات را با شخص شما می سنجد و چرخش هستی را نیز مدیون تأیید جناب شما می داند.

✱ جواد امام از اعضای دربند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تنها چند هفته مانده به آزادی مورد بازجویی قرار گرفته و به تبلیغ علیه نظام از طریق امضا شهادت نامه در خصوص مرگ هدی صابر و امضا بیانیه ۳۹ امضایی در خصوص عدم مشارکت در انتخابات مجلس تفهیم اتهام شد.

✱ حکم ۳ سال حبس فرشته شیرازی، فعال جنبش زنان و وبلاگ نویس منتقد، در دادگاه تجدید نظر تأیید شد.

✱ حسین زمان که مدتهاست نتوانسته علی رغم تلاشی که داشته آلبومی را در بازار موسیقی ایران عرضه کند، خبر داده ادامه ممنوعیت پخش آثار او از صدا و سیما همچنان ادامه دارد.

✱ مهدی خزعلی، نویسنده و چشم پزشک بیش از ۱۰ روز است که در اعتصاب غذا بسر می برد و از شرایط جسمی مناسبی برخوردار نیست. او که در زمان بازداشت با ضرب و شتم مأموران امنیتی رو به رو شد، از ناحیه دست دچار شکستگی شده و دست او را گچ گرفته اند. جرم خزعلی در حال حاضر مصاحبه با بی بی سی در مورد انتخابات و نوشتن نامه به رهبری، جتنی نامه و ۱۲ اسفند، شهر بوی مرده خواهد داد، است.

✱ «جدایی نادر از سیمین» در بخش های فیلم خارجی زبان سال، فیلمنامه نویس سال (فرهادی) و بازیگر زن مکمل سال (ساره بیات) پیروز شد. نماینده ایران در جوایز اسکار در بخش های فیلم سال و کارگردان سال هم نامزد دریافت جوایز حلقه منتقدان لندن بود.

✱ مهدی اقبال، زندانی سیاسی و عضو جبهه مشارکت ایران که در زندان مبتلا به بیماری ستون فقرات و آرتروز گردن شده، با معانت مسوولان این زندان جهت اعزام به بیمارستان، از درمان محروم مانده است.

✱ رسول بداتی، معلم زندانی محبوس در زندان رجایی شهر توسط حکم آموزش و پرورش برای همیشه از این وزارتخانه اخراج شد.

وی در پیامی از زندان برای معلمان گفته است: اینجانب ضمن محکوم کردن احضارها، تهدیدها، اخراجها و ارباب معلمان ایران به ویژه اعضای کانونهای صنفی کشور اعلام می کنم که جمهوری اسلامی نظام تعلیم و تربیت کشور را به سوی نابودی و بی هویتی هدایت کرده و آینده ای تاریک را برای جوانان و نوجوانان کشور رقم می زند.